

مسائل قرض

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در آیات قرآن و احادیث معصومین : درباره آن سفارش زیاد شده است. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که هر کس به برادر مسلمان خود قرض دهد مال او زیاد می‌شود و ملائکه بر او رحمت می‌فرستند.^۱ همچنین در حدیث دیگری فرموده‌اند: اگر طلبکار با بدهکار خود مدارا کند، بی حساب و با شتاب از صراط می‌گذرد و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و با وجود توانایی، ندهد بهشت بر او حرام می‌شود.^۲

(مسئله ۱) در قرض صیغه مخصوصی لازم نیست، بلکه اگر وام دهنده چیزی را به قصد قرض به دیگری بدهد و وام گیرنده هم به همین قصد بگیرد صحیح است، ولی باید مقدار آن معلوم باشد.

(مسئله ۲) بنا بر احتیاط مال قرض باید عین مال باشد نه دین یا منفعت چیزی، همچنین باید مقدار آن معلوم باشد.

(مسئله ۳) تحویل دادن و تحویل گرفتن مال قرض برای صحت قرض و مالک شدن قرض گیرنده شرط است، ولی تصرف نمودن در آن توسط قرض گیرنده شرط نمی‌باشد.

(مسئله ۴) اگر دو طرف قرض برای بازپرداخت آن زمانی را معین کنند، بنا بر احتیاط واجب، قرض دهنده نمی‌تواند پیش از رسیدن زمان معین شده، مبلغ قرض را طلب نماید. و اگر بدهکار بخواهد پیش از رسیدن زمان معین شده بدهی خود را بپردازد بنا بر احتیاط واجب لازم نیست قرض دهنده آن را قبول کند، مگر اینکه تعیین مدت فقط برای همراهی با بدهکار باشد که در این صورت طلبکار باید قبول نماید.

(مسئله ۵) اگر وام سررسید معینی نداشته باشد طلبکار هر گاه بخواهد می‌تواند مطالبه نماید، مگر اینکه بدهکار به هیچ وجه توان پرداخت آن را نداشته باشد و غیر از منزل مسکونی و وسایل زندگی در حد متعارف و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد چیز دیگری نداشته باشد، که در این صورت، طلبکار باید صبر کند تا بدهکار قدرت پرداخت را پیدا کند، همچنین است اگر وام دارای مدت بوده و مدت آن رسیده باشد و بدهکار به هیچ وجه توان پرداخت آن را نداشته باشد.

(مسئله ۶) اگر طلب مدت نداشته یا مدت آن رسیده باشد و طلبکار آن را مطالبه نماید، چنانچه بدهکار بتواند باید فوراً بپردازد و اگر در بازپرداخت بدهی خود عمداً کوتاهی کند گناهکار است و حاکم شرع او را وادار به پرداخت می‌کند.

^۱. برگرفته از وسائل الشیعه، کتاب التجاره، باب ۶ از ابواب «الدین والقرض»، حدیث ۳.

^۲. همان، حدیث ۵.

(مسئله ۷) اگر بدهی مدت‌دار باشد و پیش از پایان مدت بدهکار بمیرد، بدهی او بدون مدت می‌شود و با مطالبه طلبکار ورثه او باید فوراً پرداخت نمایند، ولی اگر طلبکار پیش از سررسید طلبش بمیرد، از بین رفتن مدت آن محل اشکال است و عدم دلیل بر از بین رفتن مدت دلیل است و لکن بنا بر احتیاط مصالحه کنند.

(مسئله ۸) کسی که نمی‌تواند بدهی خود را بپردازد اگر کاسب است باید برای پرداخت بدهی خود کسب کند و اگر کاسب نیست چنانچه بتواند کاسبی کند و موجب حرج و مشقت برای او نشود بنا بر احتیاط واجب باید کسب کند و بدهی خود را بپردازد.

(مسئله ۹) اگر بدهکار نتواند بدهی خود را بدهد و یا به عسرت و سختی بیفتد مطالبه آن حرام می‌باشد، بلکه واجب است تا هنگام توانایی به او مهلت دهند.

(مسئله ۱۰) اگر بدهکار به طلبکار خود دسترسی نداشته باشد، چنانچه امید به پیدا کردن او یا وارث او ندارد باید با اجازه حاکم شرع طلب او را از طرف طلبکار به عنوان صدقه به فقیر بدهد و اگر پس از صدقه دادن، او را پیدا کند واجب نیست دوباره طلب را بپردازد و در صورتی که طلبکار به صدقه راضی نشود بنا بر احتیاط حاکم شرع طلب او را از بیت‌المال جبران نماید.

(مسئله ۱۱) اگر مال میت بیشتر از خرج واجب کفن و دفن و بدهیهای او نباشد، باید مالش را به همین مصرف برسانند و به وارث او چیزی نمی‌رسد.

(مسئله ۱۲) اگر کسی مقداری پول طلا یا نقره و یا چیزهای مثلی^۱ دیگری از این قبیل را قرض بگیرد و قیمت آن ترقی یا تنزل کند، چنانچه همان مقدار را که گرفته پس دهد کافی است، هر چند جاری شدن این حکم در پولهای کاغذی نظیر اسکناسها که به لحاظ قدرت خرید با آنها معامله می‌شود و معمولاً در حال ترقی و تنزل فاحش می‌باشند محل اشکال است گرچه با کالاهای دیگر نیز تفاوت ندارد و لکن بنا بر احتیاط است دو طرف با یکدیگر مصالحه نمایند.

(مسئله ۱۳) اگر مالی را که قرض کرده از بین نرفته باشد و صاحب مال عین آن را مطالبه کند احتیاط مستحب آن است که بدهکار همان مال را به او بدهد، ولی واجب نیست، بلکه می‌تواند عوض آن را بدهد.

(مسئله ۱۴) اگر قرض دهنده شرط کند که بدهکار مبلغی اضافه بر آنچه گرفته بدهد یا مقداری از جنس دیگر به آن اضافه کند یا کاری برای او انجام دهد و یا آن را با کیفیت خاصی که ارزش مالی دارد پس دهد ربا و حرام است، چه آن چیز با شمارش تعیین شود یا با وزن و امثال آن. ولی اگر قرض گیرنده به میل خود، بدون اینکه قرض دهنده شرط کند، بیشتر از مقدار قرض بپردازد اشکال ندارد، بلکه مستحب است.

^۱. «چیزهای مثلی» به پول، پارچه، گندم، برنج و امثال اینها گفته می‌شود که افراد و اجزای مساوی آن در ارزش با یکدیگر مساوی هستند، در مقابل «چیزهای قیمی» که چنین نیستند و ارزش آنها تفاوت دارد.

(مسئله ۱۵) اگر قرض دهنده بگوید «این مبلغ را به تو قرض می‌دهم به شرط آنکه هنگام بازپرداخت فلان مبلغ را هم به دیگری ببخشی» باز هم ربا و حرام است، پس در حرمت ربا فرقی نمی‌کند که سود آن به طلبکار برسد یا به شخص دیگری.

(مسئله ۱۶) اگر قرض دهنده انجام کاری را که ارزش مالی ندارد شرط کند، مثل اینکه شرط کند بدهکار برای او یا پدر و مادر او دعا کند اشکال ندارد، ولی اگر مثلاً شرط کند علاوه بر پرداخت بدهی یک سال نماز و روزه برای پدر یا مادر او بجا آورد، چون برای این کار معمولاً اجرت می‌گیرند، از مصادیق ربا محسوب می‌شود و حرام است.

(مسئله ۱۷) اگر شرط کنند بدهکار کمتر از مبلغ بدهی را پرداخت کند یا چیزی به نفع بدهکار بر عهده طلبکار باشد اشکال ندارد.

(مسئله ۱۸) بدهی مدت‌دار را می‌توان با رضایت دو طرف و با کم کردن مقداری از آن زودتر پرداخت نمود.

(مسئله ۱۹) بدهی بدون مدت را نمی‌توان با افزودن چیزی بر آن مدت‌دار نمود، همچنین مدت بدهی مدت‌دار را نمی‌توان با افزودن چیزی بر آن بیشتر نمود.

(مسئله ۲۰) ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است، و شرط ربایی که انجام گرفته فاسد است و کسی که قرض گرفته مقدار زیاده‌ای را که شرط شده است بدهکار نیست، هر چند در صورتی که هر دو قصد قرض کرده و ربا را به طور ضمنی شرط کرده باشند بنا بر اقوی اصل قرض صحیح می‌باشد، و کسی که قرض ربایی گرفته مالک آن می‌شود و می‌تواند در آن تصرف کند؛ ولی اگر قرض را مقید به ربا کرده باشند صحت اصل قرض نیز محل اشکال خواهد بود.

(مسئله ۲۱) ربای قرضی^۱ به هیچ وجه حلال نمی‌شود و راههایی که برای فرار از ربای قرضی در بعضی از کتابها بیان شده جایز نیست و زیاده‌ای که گرفته می‌شود حرام است. بلی اگر عنوان حقیقه^۲ و واقعاً تغییر کند بلامانع است.

(مسئله ۲۲) اگر انسان مبلغی پول به کسی بدهد تا در شهر دیگری از طرف او کمتر بگیرد اشکال ندارد و این را «صرف برات» می‌گویند، همچنین است اگر پولی را به کسی بدهد و شرط کند همان مقدار را در شهر دیگری به او پس دهد.

(مسئله ۲۳) اگر مبلغی پول به کسی بدهد تا بعد از مدتی در شهر دیگری زیادتر بگیرد ربا و حرام است، ولی چنانچه طلبکار در مقابل زیادتی، جنسی به بدهکار پردازد یا عملی انجام دهد اشکال ندارد.

۱. ربا بر دو نوع است: «ربای در معامله» که احکام آن گذشت، و «ربای قرضی» که در هر صورت حرام می‌باشد.

احکام سفته و چک و معاملات بانکی

(مسئله ۲۴) «سفته» پول نیست و معامله بر آن واقع نمی‌شود، بلکه سفته نوعی

برات و حواله است و بر دو قسم می‌باشد:

الف- سفته حقیقی و آن سفته‌ای است که بدهکار در برابر بدهی خود به طلبکار

می‌دهد.

ب - سفته دوستانه و آن سفته‌ای است که شخص به دیگری می‌دهد بدون آنکه به او

بدهکار باشد.

(مسئله ۲۵) اگر کسی بخواهد با سفته حقیقی که از بدهکار گرفته با دیگری معامله

کند باید به ترتیبی که ربا لازم نیاید عمل نماید، به عنوان مثال مبلغی را از بانک یا شخص

دیگر به عنوان وام بگیرد و سفته را به وام دهنده تحویل دهد و او را در وصول سفته و کیل

خود نماید تا پس از وصول، طلب خود را بردارد و مبلغ اضافه را نیز به عنوان کارمزد

حساب کند، به شرط اینکه مبلغ باقیمانده عرفاً در حد کارمزد باشد، نه اینکه خواسته

باشد با این عنوان از ربا فرار کند، پس اگر به این ترتیب عمل نکرده و مبلغی را که کمتر از

مبلغ سفته است از شخص ثالث قرض نماید و مبلغ سفته را به شخص ثالث حواله بدهد

ربا و حرام است و اگر مبلغ سفته را به دیگری به مبلغ کمتر بفروشد صحت آن محل

اشکال است. بلی اگر واقعاً فروش باشد یعنی فروش دین بنحوی که خریدار با فروشنده کاری

ندارد، اشکال ندارد.

(مسئله ۲۶) اگر وام گیرنده سفته‌ای بیش از مبلغ وام به وام دهنده بدهد، مبلغ

زیادی ربا و حرام است، ولی خود قرض صحیح می‌باشد، هر چند در ضمن آن شرط ربا

کرده باشند، زیرا فساد شرط سبب فساد قرض نمی‌شود، اما اگر قرض مقید به زیاده باشد

صحت آن محل اشکال است.

(مسئله ۲۷) سفته دوستانه را اگر شخص به این جهت از شخص اول بگیرد که به

شخص ثالث دهد و مبلغی کمتر از مبلغ مندرج در آن را از شخص ثالث بگیرد و شخص

ثالث هنگام سررسید حق داشته باشد که به شخص اول مراجعه کند و مبلغ سفته را

دریافت کند، در صورتی که وسیله قرض ربایی قرار دهد، اصل قرض صحیح، ولی سود

آن ربا و حرام است و شخص اول نیز در گناه شریک می‌باشد.

(مسئله ۲۸) نحوه دیگر استفاده از سفته آن است که شخص اول برای دریافت وام

به بانک مراجعه می‌کند و بانک در برابر وام سفته‌ای بیشتر از وام از او دریافت می‌کند به

شرط آنکه شخص معتبری سفته را امضا کند، در اینجا شخص معتبر به عنوان دوستانه

سفته را امضا می‌کند که در حقیقت، ضمانت وی را نزد بانک کرده است و بانک مبلغ

مندرج در سفته را از وام گیرنده هنگام سررسید دریافت می‌کند، این نوع استفاده از سفته

دوستانه ربا و حرام است و شخصی هم که به عنوان دوستانه سفته را امضا می‌کند و ضامن

بازپرداخت می‌گردد در گناه شریک است.

(مسئله ۲۹) اگر در مقابل طلبی که از کسی دارد سفته یا چک مدت‌دار داشته باشد و بخواهد مقداری از طلب خود را پیش از موعد آن گذشت کند و بقیه را از خود بدهکار دریافت نماید مانعی ندارد و به این کار «اسکنت» می‌گویند.

(مسئله ۳۰) اگر طلبکار - چه بانک یا غیر آن - در قبال دیرکرد وامهای خود روزانه درصدی به عنوان جریمه از وام‌گیرنده یا ضامنی که سفته یا چکها را امضا کرده بگیرد ربا و حرام است، هر چند وام‌گیرنده به آن راضی باشد.

(مسئله ۳۱) کسی که سفته را امضا می‌کند، اگر قصد ضمان و شرایط ضمان مراعات شده باشد، ضامن شخص وام‌گیرنده است، و بانک یا طلبکار دیگر حق دارد به او رجوع نماید و او ملزم به پرداخت خواهد بود.

(مسئله ۳۲) وجوهی که از بانک به هر عنوان گرفته می‌شود، چنانچه معامله مطابق مقررات شرعی انجام شود حلال است، گرچه انسان بداند در بانک پولهای حرامی هم وجود دارد و احتمال دهد پولی را که گرفته از همان پول حرام باشد.

(مسئله ۳۳) سپرده‌های بانکی اگر به عنوان قرض باشد و سودی برای آن قرار ندهند اشکال ندارد و تصرف بانک در آن جایز است، ولی اگر برای آن سود قرار داده شود یا بر پایه سود به بانک سپرده شود اصل قرض صحیح و سود آن حرام است و اگر قرض به شرط سود و مقید به آن باشد صحت اصل قرض نیز محل اشکال است.

(مسئله ۳۴) در قرار سودی که ربا و حرام است فرقی نیست که به صراحت قرارداد کنند یا بنای دو طرف بر گرفتن سود باشد، پس اگر قانون بانک آن است که به وامهایی که می‌گیرد سود بدهد و وام‌دادن به بانک بر پایه این قانون باشد، سود آن حرام ولی اصل قرض صحیح است، مگر اینکه قرض مقید به سود و ربا باشد.

(مسئله ۳۵) سپرده‌های کوتاه یا بلند مدت که افراد واقعا به عنوان مضاربه به بانکها یا مؤسسات خصوصی می‌سپارند، اگر بانکها واقعا با پول افراد تجارت نمایند و افراد ماهیانه مبلغی نه به عنوان سود ثابت بلکه علی‌الحساب دریافت کنند ظاهرا اشکال ندارد، ولی چنانچه بر اساس سود ثابت دریافت کنند مضاربه باطل است.

(مسئله ۳۶) گرفتن جایزه‌هایی که بانک برای تشویق سپرده‌گذاران و یا مؤسسات برای تشویق خریداران به وسیله قرعه‌کشی یا به هر صورت دیگر پرداخت می‌کند اشکال ندارد و حلال است، مگر اینکه قرض دادن به بانک به قصد گرفتن جایزه باشد که بنا بر احتیاط مستحب چنین قصدی نکند.

(مسئله ۳۷) حواله‌های بانکی یا تجاری که به آن «صرف برات» گفته می‌شود مانعی ندارد، پس اگر بانک یا تاجر، پولی را از کسی بگیرد و حواله کند که او از بانک یا تاجر دیگر در شهر دیگر بگیرد و در مقابل این حواله چیزی به عنوان حق زحمت دریافت کند

اشکال ندارد، مثلاً اگر صد هزار تومان در تهران به بانک بدهد و بانک حواله دهد که در شعبه مشهد صد هزار تومان به این شخص یا به شخصی که او معین می‌کند پردازد و در مقابل این حواله بانک تهران مقداری به عنوان حق زحمت از این شخص بگیرد اشکال ندارد، همچنین است اگر بانک صد هزار تومان بگیرد و حواله دهد که بانک مشهد مقدار کمتری، مثلاً نود و نه هزار و هشتصد تومان، به طرف پردازد و بقیه را به عنوان حق زحمت بردارد اشکال ندارد.

(مسئله ۳۸) در اعتبارهای بانکی که معمول است تجار قسمتی از بهای کالا را به بانک می‌پردازند و بانک تمام مبلغ کالا را به شرکت‌های داخلی یا خارجی می‌دهد و اقدام به ترخیص و ثبت آن به نام خود می‌نماید و سپس مبلغ بیشتری از مالک؛ یعنی خریدار دریافت می‌کند، اگر آن مبلغ زیادی بابت خدمات، مانند ثبت و ترخیص کالا و تحویل آن به خریدار، باشد اشکال ندارد، ولی اگر بابت قرض به مالک و سود باشد ربا و حرام است. و اما اقدام فروش کالا توسط بانک اگر ضمن قرارداد اعتبار با بانک شرط شده باشد اشکال ندارد و بانک می‌تواند کالا را بفروشد و مخارجی را که متحمل شده بردارد.

(مسئله ۳۹) اگر بانک رهنی یا غیر آن با قرار سود وام دهد و در برابر مبلغی که وام داده چیزی را به عنوان رهن از وام‌گیرنده بگیرد تا اگر هنگام سررسید، وام را نپرداخت آن را بفروشد و طلب خود را دریافت کند، اصل قرض و رهن صحیح، ولی سود آن حرام است، ولی اگر قرار سود نکند و مبلغی به عنوان اجرت کار بگیرد، چنانچه با گرفتن آن قصد فرار از ربا نداشته باشد اشکال ندارد. و خرید و فروش چیزی که به عنوان رهن گذارده اگر با موازین شرعی مطابق باشد مانعی ندارد.

(مسئله ۴۰) ربای قرضی در تمام انواع اسکناسهای رایج، اعم از ریال، دلار، پوند، لیره و نظایر آن، جریان دارد، و قرض دادن ده لیره مثلاً به دوازده لیره جایز نیست، ولی خرید و فروش آنها چنانچه غرض عقلایی بر آن مترتب بوده و قصد فرار از ربای قرضی در بین نباشد، نظیر معامله دلار به ریال یا اسکناس نوبه کهنه و اسکناس درشت به خرد، اشکال ندارد.